

سلسله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

(کتاب پنجم)

# بررسی تطبیقی آموزه توحید و شرک

از دیدگاه مفسران فریقین

حجت الاسلام دکتر فتح‌اله نجارزادگان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس فارابی

زمستان ۱۴۰۰

نجاززادگان، فتح‌اله، ۱۳۳۷ -

بررسی تطبیقی آموزه توحید و شرک از دیدگاه مفسران فریقین / فتح‌اله نجاززادگان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۴۰۰.  
۳۸۴ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۹۲: قرآن پژوهی؛ ۸۳) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۴۸۵: الهیات (علوم قرآن و حدیث)؛ ۷۹)

ISBN: 978-600-298-371-8

بها: ۷۱۰۰۰۰ ریال

کتابنامه: ص. [۳۴۳]-۳۶۶.

نمایه.

۱. توحید. ۲. \*Tawhid (Unity of God). ۳. تفاسیر -- مطالعات تطبیقی.

۴. Qur'an - Commentaries - Comparative studies. ۵. شرک. ۶. Polytheism. ۷. توحید -- دیدگاه اهل سنت.

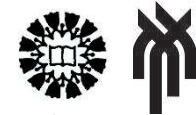
۸. \*Tawhid (Unity of God) -- Views of Sunnite. ۹. شرک -- دیدگاه اهل سنت.

۱۰. Polytheism -- Views of Sunnite. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. The Center for Studying and Compling University. د. عنوان. Book in Humanities (SAMT). Institute for Research and Development in the Humanities.

۲۹۷/۴۲

BP۲۱۷/۴

۸۵۱۲۹۵۹



## بررسی تطبیقی آموزه توحید و شرک از دیدگاه مفسران فریقین

**مؤلف:** حجت‌الاسلام دکتر فتح‌اله نجاززادگان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

**ناشران:** پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

**صفحه‌آرا:** اعظم یزدلی

**چاپ اول:** زمستان ۱۴۰۰

**تعداد:** ۵۰۰ نسخه

**لیتوگرافی:** سعیدی

**چاپ:** قم-سبحان

**قیمت:** ۷۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۷۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی آسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

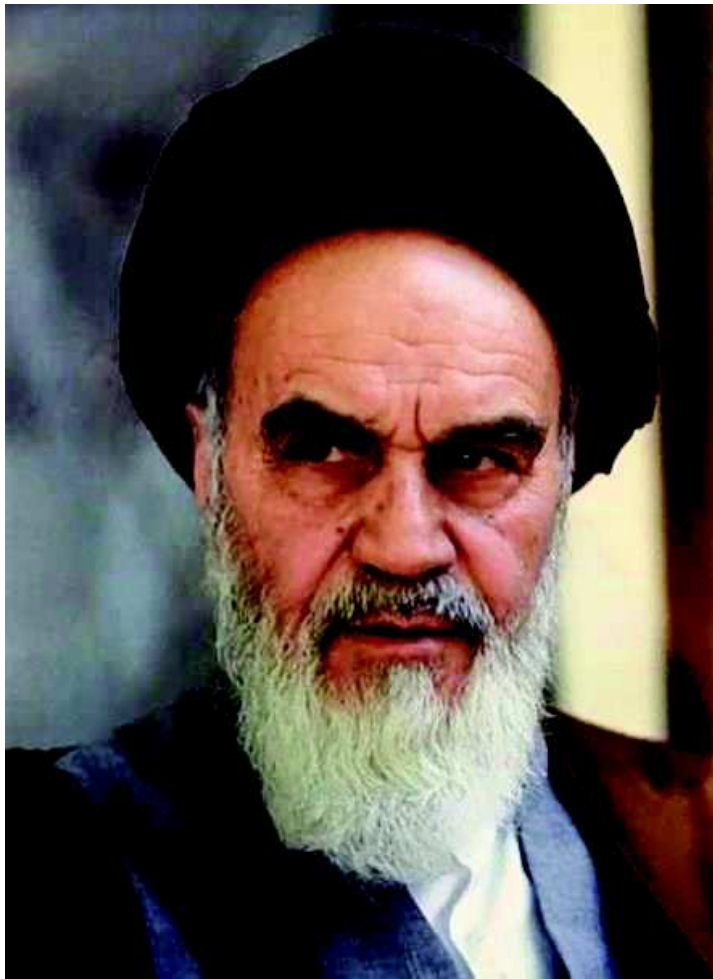
مرکز پخش، نمایشگاه و فروشگاه: تهران، رویه‌روی دانشگاه تهران، حد فاصل خیابان‌های فخر رازی و دانشگاه، مجتمع تجاری-اداری پارسا، واحدهای ۲۰۱ و ۷ و ۸، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۸۱۴۵-۶۶۴۰۸۱۲۰

۶۶۴۱۷۸۵۷ (فروشگاه)، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمع مقاصد کتاب الهی برگشت به مقصد واحد می کند و آن حقیقت توحید  
است که غایت همه نبوات و نهایت مقاصد همه انبیای علیهم السلام است.

صحیفه امام، ج ۲، ص ۸۱



## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، هشتادوششمین اثر مشترک خود را با انتشار کتاب «بررسی تطبیقی آموزه توحید و شرک از دیدگاه مفسران فریقین» به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این اثر به عنوان منبع درسی و کمک درسی برای دانشجویان مقاطع تکمیلی دانشگاهی در رشته‌های تفسیر تطبیقی، کلام امامیه، علوم قرآن و حدیث، مدرسی معارف قرآن و حدیث و رشته‌های تفسیر تطبیقی و تفسیر موضوعی در مقطع سطح چهار حوزه‌های علمیه خواهران و برادران برای درس تفسیر آیات اعتقادی (توحید و شرک) تدوین شده است. امید است که افزون بر مخاطبان خاص، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه حوزوی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

سازمان «سمت»

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



## پیشگفتار

اصطلاح‌شناسی تفسیر تطبیقی: تفسیر تطبیقی، کشف، تبیین (توصیف) و ارزیابی نظام‌مند از دیدگاه‌های مفسران شیعی و سنی (فریقین) به صورت مقایسه‌ای است؛ در دیباچه کتاب اول که به «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر فریقین» اختصاص داشت، بیان شد که تفسیر قرآن به دو نوع کلی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی تقسیم می‌شود و آنچه تاکنون مورد اهتمام مفسران فریقین بوده، همین دو نوع تفسیر است که هرکدام نیز تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند. شیوه‌ای که تاکنون در حوزه تفسیر قرآن (به صورت مستقل) کمتر به آن توجه شده، تفسیر تطبیقی است. این شیوه به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره تفسیر آیات قرآن می‌پردازد و می‌تواند به صورت موضوعی یا ترتیبی، صورت پذیرد. هرچند در تفاسیر اجتهادی هردو فریق (در برابر تفاسیر روایی یا بالمأثور) کم‌وبیش به بررسی و نقد دیدگاه‌های یکدیگر اشاره شده است (مانند تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی و تفسیر مفاتیح الغیب فخررازی از تفاسیر کهن شیعی و اهل سنت و یا تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی از تفاسیر متأخر شیعی و تفسیر روح المعانی آلوسی و المنار محمد رشیدرضا از تفاسیر متأخر اهل سنت)، لیکن بررسی مستقل و همه جانبه با تنظیم منطقی مباحث، پیشینه‌ای دراز در بین فریقین ندارد.<sup>۱</sup> ضرورت این نوع تفسیر - به‌ویژه در جهان امروز که با وسایل ارتباط جمعی همانند دهکده شده است - در درک و ارزیابی درست از مبانی و مفاهیم آیات از دیدگاه‌های فریقین نهفته است که آثاری درخشان در پی

---

۱. از جمله در این باره می‌توان به کتاب بین الشیعة و السنة دراسة مقارنة في التفسير و اصوله... نوشته دکتر علی احمد سالوس اشاره کرد که به مبانی، تاریخ و منابع تفسیر فریقین پرداخته و از داوری‌های یک سویه در امان نمانده است. مانند داوری وی درباره منابع تفسیر روایی کهن شیعه و چشم‌پوشی از همین منابع در اهل سنت؛ داوری درباره دیدگاه شیعه پیرامون آیه تطهیر و ... .

خواهد داشت از جمله:

الف) کشف نقاط قوت و ضعف فریقین در مبانی تفسیر و دیدگاه‌های تفسیری؛  
ب) شناخت نقاط اشتراک و افتراق فریقین در مبانی تفسیر و مفاهیم تفسیری؛  
ج) مرزبندی دقیق از اختلاف‌های مبانی با تفاوت‌های بنایی و بررسی و نقد هرکدام در جای خود؛

د) کشف اختلاف‌های لفظی فریقین (که حجم زیادی از اختلاف‌ها را به خود اختصاص داده) و اخراج آنها از دایره بحث؛

ه) محک زدن نقاط افتراق براساس مدارک و اصول پذیرفته شده نزد هرکدام از دو فریق؛  
و) کشف و یا تدوین دیدگاه درست و دفاع معقول و منطقی از آن؛

ز) برملا ساختن بسیاری از داوری‌های ناآگاهانه و یا اتهام‌های متعصبانه؛

ح) ارائه راهکارها برای برون‌رفت از اختلاف‌ها و فرو نشانیدن اتهام‌ها.

تفسیر تطبیقی در دو حوزه «مبانی» تفسیر و «مفاهیم» آیات قرآن از دیدگاه فریقین خواهد بود. در حوزه مبانی تفسیر، اصول و پیش‌فرض‌های فریقین درباره تفسیر قرآن در دو بخش مبانی مشترک و مبانی مختص مورد بررسی قرار گرفتند که در کتاب اول از تفسیر تطبیقی ملاحظه کردید. در حوزه مفاهیم تفسیری، موضوعاتی از قرآن گزینش شده‌اند، این گزینش براساس اولویت‌ها و نیازهاست که بخشی از آنها در تفاوت دیدگاه‌های تفسیری شیعه و اهل سنت و بخشی در تفاوت دیدگاه‌های شیعه با سلفیان وهابی است. روند کار در این حوزه بدین شکل است:

یک) درآمد، مشتمل بر پیش‌آگاهی فشرده و لازم در بررسی موضوع مدنظر؛

دو) ارائه دیدگاه‌های تفسیری فریقین با دسته‌بندی منطقی از مصادر مهم و منابع معتبر آنان؛

سه) کشف نقاط مشترک فریقین درباره تفسیر آیات مذکور؛

چهار) ارزیابی دیدگاه‌های فریقین با بررسی و نقد دلایل آنها و گزینش دیدگاه درست یا تکمیل آن

و یا ارائه دیدگاه جدید؛

پنج) خلاصه فصل؛

شش) بحث و پژوهش.

این کتاب پنجمین کتاب از مجموعه تفسیر تطبیقی است که به «بررسی تطبیقی آموزه توحید



و شرک از دیدگاه مفسران فریقین» پرداخته است.<sup>۱</sup>

---

۱. نام کتاب‌های این مجموعه به ترتیب عبارتند از: کتاب اول، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر از دیدگاه فریقین؛ کتاب دوم، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت در دیدگاه فریقین؛ کتاب سوم، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین؛ کتاب چهارم، بررسی تطبیقی اصطلاح‌شناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسران فریقین و کتاب ششم، بررسی تطبیقی نظریه شفاعت، توسل و استغاثه از دیدگاه مفسران فریقین است. بزودی این مجموعه بانضمام کتاب سلامة القرآن من التحریف و کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن با عنوان موسوعة الدراسات القرآنية المقارنة به زبان عربی منتشر خواهد شد. ان شاء الله

نکته دیگر آنکه نگارنده با اذعان به حجم گسترده و دشواری این کار و اعتراف به بضاعت ناچیز خود، در نظر دارد با لطف خداوند، موضوعات قرآنی را که در تفاسیر فریقین نقاط اشتراک فراوان و یا اختلاف نظر جدی دارند، به همین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.



## فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۷

### بخش اول: کلیات

فصل اول: درنگی در آموزه توحید و ضرورت پژوهش.....	۱۹
گفتار اول: درنگی در آموزه توحید.....	۱۹
جایگاه توحید در نظام تعالیم وحی.....	۱۹
نگاهی به ابعاد و مراتب توحید.....	۲۵
گفتار دوم: ضرورت پژوهش.....	۳۰
خلاصه فصل.....	۳۳
پژوهش.....	۳۴

### فصل دوم: سیری در پیشینه پژوهش..... ۳۷

سیری در پیشینه توحیدپژوهی.....	۳۷
منابع کلامی.....	۳۷
منابع اعتقادی.....	۳۸
منابع قرآنی.....	۴۵
امتیازها و نوآوری‌های این اثر.....	۵۶
خلاصه فصل.....	۵۹
پژوهش.....	۶۰

### بخش دوم: توحید و شرک ذاتی و صفاتی

فصل اول: توحید ذاتی و صفاتی.....	۶۳
درآمد.....	۶۳
گفتار اول: شرح آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».....	۶۵
توحید ذاتی.....	۶۵

۶۸	..... توحید صفاتی
۷۱	..... گفتار دوم: شرح آیات «اللَّهُ الصَّمَدُ • لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»
۷۶	..... خلاصه فصل
۷۷	..... پژوهش

۷۹	..... فصل دوم: شرک ذاتی و صفاتی
۷۹	..... درآمد
۷۹	..... گفتار اول: شرک اهل کتاب
۸۱	..... گفتار دوم: شرک مشرکان
۸۲	..... تلقی مشرکان از فرشتگان
۸۴	..... تلقی مشرکان از جنیان
۸۷	..... خلاصه فصل
۸۸	..... پژوهش

#### بخش سوم: توحید و شرک ربوبی

۹۱	..... فصل اول: توحید ربوبی از دیدگاه مفسران فریقین
۹۱	..... درآمد
۹۲	..... گفتار اول: اصطلاح‌شناسی ربّ
۹۲	..... معناشناسی «ربّ» در لغت
۹۳	..... معناشناسی «ربّ» در دیدگاه مفسران فریقین
۹۳	..... دیدگاه مفسران شیعی
۹۴	..... دیدگاه مفسران اهل سنت
۹۸	..... گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های مفسران فریقین
۹۸	..... ارزیابی معنای ربّ بر محور مالکیت
۱۰۱	..... ارزیابی معنای ربّ به محور تربیت
۱۰۳	..... گفتار سوم: بازپژوهشی معنای «ربّ» و توحید ربوبی در قرآن
۱۰۳	..... ادله قرآنی
۱۰۶	..... ادله روایی
۱۰۸	..... گفتار چهارم: تحلیل کاربردهای «ربّ» در قرآن
۱۰۸	..... کاربرد انحصاری ربّ برای حق تعالی
۱۱۰	..... ارزیابی سایر کاربردهای ربّ در قرآن
۱۱۵	..... تنزیه اسم ربّ
۱۱۶	..... پیوند واژه «ربّ» با «ولی»
۱۱۷	..... گفتار پنجم: پیامدهای معرفتی و تربیتی باور به توحید ربوبی
۱۱۷	..... ربوبیت و اوصاف کمالی حق تعالی
۱۱۸	..... ربوبیت کامل و مطلق

۱۱۹	ربوبیت شامل و جامع.....
۱۱۹	قلمرو هستی.....
۱۲۰	قلمرو انسان.....
۱۲۲	قلمرو گذشتگان.....
۱۲۳	قلمرو فرجام قیامت.....
۱۲۴	ربوبیت ستوده مطلق.....
۱۲۴	ربوبیت و تربیت تقوا مدار.....
۱۲۸	گفتار ششم: ادله توحید ربوبی.....
۱۲۸	ادراک حصولی عقلی.....
۱۳۵	معرفت شهودی فطری.....
۱۳۶	موقف میثاق و نوع معرفت در آن.....
۱۴۷	مراتب انسان ها در تنبه به معرفت فطری.....
۱۵۱	خلاصه فصل.....
۱۵۲	پژوهش.....

### فصل دوم: شرک ربوبی از دیدگاه مفسران فریقین..... ۱۵۵

۱۵۵	درآمد.....
۱۵۵	گفتار اول: ربوبیت بتها از دیدگاه مفسران فریقین.....
۱۵۶	شرک ربوبی مشرکان حجاز.....
۱۵۸	شرک ربوبی در امت‌های پیشین.....
۱۶۵	گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۱۶۶	ارزیابی دیدگاه سلفیان از شرک ربوبی مشرکان حجاز:.....
۱۷۴	ارزیابی دیدگاه‌ها از شرک ربوبی در امت‌های پیشین:.....
۱۷۹	گفتار سوم: ربوبیت احبار و رهبان از دیدگاه مفسران فریقین.....
۱۸۱	گفتار چهارم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۱۸۵	گفتار پنجم: ربوبیت فرعون از دیدگاه مفسران.....
۱۸۷	گفتار ششم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۱۹۰	خلاصه فصل.....
۱۹۲	پژوهش.....

### بخش چهارم: توحید و شرک الوهی

#### فصل اول: توحید الوهی از دیدگاه مفسران فریقین..... ۱۹۷

۱۹۷	درآمد.....
۱۹۸	گفتار اول: اصطلاح‌شناسی إله.....
۱۹۸	معناشناسی «إله» در لغت.....
۲۰۰	معناشناسی «إله» و الله در دیدگاه مفسران فریقین.....

۲۰۳	گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۲۰۶	گفتار سوم: تحلیل پیوند معانی إله (التجاء، اشتیاق، حیرت و...) با معنای معبود، و إله با ربّ.....
۲۰۷	پیوند سبب و مسبّب.....
۲۱۲	پیوند کاربرد عرفی و وضع لفظی.....
۲۱۴	پیوند «إله» و «ربّ».....
۲۱۵	گفتار چهارم: ادله توحید الوهی.....
۲۱۵	ادراک حصولی عقلی.....
۲۱۵	شیوه تذکّاری.....
۲۱۷	شیوه جدال احسن.....
۲۱۸	شیوه برهانی.....
۲۲۴	معرفت شهودی فطری.....
۲۲۷	خلاصه فصل.....
۲۲۸	پژوهش.....

### فصل دوم: شرک الوهی از دیدگاه مفسران فریقین..... ۲۳۱

۲۳۱	درآمد.....
۲۳۱	گفتار اول: الوهیت بت‌ها از دیدگاه مفسران فریقین.....
۲۳۳	گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۲۴۰	گفتار سوم: الوهیت نفس از دیدگاه مفسران فریقین.....
۲۴۴	گفتار چهارم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۲۴۸	گفتار پنجم: الوهیت حضرت عیسی و مریم از دیدگاه مفسران فریقین.....
۲۵۴	گفتار ششم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۲۵۸	گفتار هفتم: الوهیت فرعون از دیدگاه مفسران فریقین.....
۲۶۲	گفتار هشتم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۲۶۷	خلاصه فصل.....
۲۶۸	پژوهش.....

### بخش پنجم: توحید و شرک عبادی

#### فصل اول: توحید عبادی از دیدگاه مفسران فریقین..... ۲۷۳

۲۷۳	درآمد.....
۲۷۴	گفتار اول: اصطلاح‌شناسی عبادت.....
۲۷۴	معناشناسی عبادت در لغت.....
۲۷۷	معناشناسی عبادت و توحید عبادی از دیدگاه مفسران فریقین.....
۲۷۷	معناشناسی عبادت با محوریت خضوع و تذلل.....
۲۸۱	معناشناسی عبادت با محوریت اطاعت.....
۲۸۳	گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....

۲۸۷	عبادت: حس انقیاد و ابراز تذلل در پیشگاه ربّ یا إله.....
۲۸۹	تحلیل ارکان معنای عبادت:.....
۲۹۷	گفتار سوم: تحلیل گونه‌ها و کاربردهای عبادت.....
۲۹۷	عبادت حقیقی.....
۲۹۸	عبادت تکوینی.....
۲۹۹	عبادت ارزشی و جایگاه آن در نظام تربیتی قرآن.....
۳۰۱	عبادت عملی.....
۳۰۲	عبادت باطل و باطن آن.....
۳۰۵	گفتار چهارم: ادله توحید عبادی.....
۳۰۶	ادراک حصولی عقل.....
۳۰۶	روش تذکّاری.....
۳۰۷	روش تمثیلی.....
۳۰۸	روش جدال احسن.....
۳۰۸	روش سلبی.....
۳۱۰	معرفت شهودی فطری.....
۳۱۱	خلاصه فصل.....
۳۱۳	پژوهش.....

۳۱۵	<b>فصل دوم: شرک عبادی از دیدگاه مفسران فریقین.....</b>
۳۱۵	درآمد.....
۳۱۵	گفتار اول: عبادت بت‌ها از دیدگاه مفسران فریقین.....
۳۱۸	گفتار دوم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۳۲۱	گفتار سوم: عبادت شیطان از دیدگاه مفسران فریقین.....
۳۳۱	گفتار چهارم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۳۳۸	گفتار پنجم: عبادت طاغوت از دیدگاه مفسران فریقین.....
۳۴۵	گفتار ششم: ارزیابی دیدگاه‌های فریقین.....
۳۴۸	خلاصه فصل.....
۳۴۹	پژوهش.....
۳۵۱	<b>فهرست منابع.....</b>

#### نمایه‌ها

۳۷۵	نمایه آیات.....
۳۸۳	نمایه روایات.....
۳۸۷	نمایه اشخاص.....





# بخش اول

## کلیات

فصل اول: درنگی در آموزه توحید و ضرورت پژوهش  
فصل دوم: سیری پیشینه پژوهش



## فصل اول

### درنگی در آموزه توحید و ضرورت پژوهش

#### گفتار اول: درنگی در آموزه توحید

##### جایگاه توحید در نظام تعالیم وحی

توحید به معنای یکتا دانستن و یگانه دیدن خداوند، اصل الاصول حقایق تکوینی و تشریحی و اصل بنیادی اعتقادات برای دینداری و نیل به کامیابی است. روح تعالیم وحی، توحید است و از آن معنا می‌گیرد و انسجام می‌یابد. با توجه به همین حقیقت می‌توان آیات وحی را به اشکال گوناگون دسته‌بندی کرد و معارف کتاب خدا را بر پایه «توحید» شناخت. از جمله نوعی از این دسته‌بندی را، «نظام صنفی» می‌نامیم که در خطبه مشهور زهرای مرضیه علیها السلام بیان شده است. حضرت می‌فرماید: «کتاب الله الناطق... به تَنَالُ حججُ الله المنورة، و عزائمہ المفسرة، و محارمه المحذرة، و بیناته الجالیة، و براهینة الکافیة، و فضائله [او فصائله] المندوبة، و رخصه الموهوبة، و شرائعه المكتوبة...»<sup>۱</sup>.

در این تعابیر هر گروه از اصناف آیات بر پایه توحید به حجت‌های خداوند، اوامر و دستورها، نواهی و حرام‌ها، بینات، براهین، آداب، رخصت‌ها و آیین‌های حق تعالی، تقسیم شده‌اند.

---

۱. ابن ابی طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۸. در خطبه اول نهج البلاغه نیز به نوعی به تقسیم‌بندی آیات اشاره شده است. امام می‌فرماید: «کتاب ربکم فیکم مُبیناً حلاله و حرامه و فرائضه و فضائله و نایبته و منسوخه و رخصه و عزائمته و خاصه و عامه و عبره و أمثاله و مُرسله و محدوده و مُحکمه و مُتشابهه. مُفسراً مجمله و مُبیناً غوامضه؛ کتاب پروردگارتان در دسترس شماست، حلال و حرام آن، واجب و مستحب‌اش، ناسخ و منسوخ‌اش، رخصت و عزیمت‌اش، خاص و عامش، بند و مثل‌هایش، مطلق و مقیدش و محکم و متشابهش آشکار و هویدا است. مجمل آن تفسیر شده و دشوارش تبیین گشته است».

نوعی دیگر «نظام گروه‌بندی» آیات است؛ در این نظام، همه تعالیم وحی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف) آیات درباره شناخت خداوند با بیان صفات و اسمای حق تعالی مانند آیات آخر سوره حشر، آیا سوره توحید و...

ب) آیات برای شناخت خداوند با بیان مناسبات حق تعالی با نظام آفرینش؛ اعم از نظام تکوین و تشریح، غیب و شهود؛ گذشته و حال و آینده و غیره؛ بنابراین، همه تعالیم وحی برای درک و باور «توحید» نظری و عملی است. برای توضیح این حقیقت می‌توان چنین گفت: نظام معارف قرآن به‌عنوان وحی آسمانی، هرمی شکل است که در رأس آن «توحید» یا همان کلمه طیبه «لا اله الا الله» قرار دارد، اضلاع این هرم هرکدام به نوبه خود از رأس هرم معنا و مبنا می‌گیرند. پس نظام وحی از انسجام هرمی شکل برخوردار است. برخی از آیات با برخی از آیات «بیان صریح اسما و صفات خداوند» رأس هرم را شرح می‌دهند مانند آیه‌الکرسی (بقره، ۵۵)، سوره توحید و آیات آخر سوره حشر (آیات ۲۲-۲۴) شاید بتوان اضلاع هرم تعالیم وحی در این زمینه را در پنج ضلع بدین شرح تقسیم کرد:

«هستی‌شناسی» با تمام قلمروها (مانند انسان‌شناسی، فرشته‌شناسی و...) و ابعاد و مراتب آن و اعم از اینکه باید به آنها باور داشت (مانند اعتقاد به فرشتگان) و یا باید آنها را شناخت؛ «سرگذشت گذشتگان» شامل همه حوادث تلخ و شیرین؛ «فرجام‌شناسی» با تمام مراحل و ابعاد آن و باور به معاد؛

«راه‌شناسی و راهنماشناسی و اوصاف راهیان و گمراهان» اعم از هرچه برای راه و راهنمای انسان شرط شده و یا باید به آن باور داشت (مانند باور به انبیاء و کتاب‌های آسمانی) و راهیان حق به آن متصف‌اند یا به‌عنوان موانع راه دخالت دارد و گمراهان از آن برخوردارند؛ «برنامه‌های عملی» که شامل همه خُلق‌ها و احکام حقوقی، عبادی، فردی و اجتماعی است.

آنچه مقصد و مقصود در تمام این قلمروهاست، پیراستن انسان از پیرایه‌ها و پندارها و رساندن وی به رأس هرم یعنی: «حقیقت توحید» است که از رهگذر معرفت و سپس باور به وحدانیت حق تعالی و درک حضور حکیمانه و دائمی او در همه عرصه‌های تکوینی و تشریحی (که همان توحید ربوبی یعنی یکتایی مالک مدبر هستی، است) پدید می‌آید.

برای نمونه، تعالیم وحی در قلمرو «هستی‌شناسی» برای تبیین این حقایق است: عالم وجود سراسر تجسم اراده اوست و نظام آفرینش آیت حق تعالی است. عالم در مقام حدوث،

عبث نبوده و در مقام بقا، رها نشده است؛ خداوند جدا و دور افتاده از هستی نیست و سررشته و اختیار هستی به دست اوست. حق تعالی نه تنها آفریننده و ایجادکننده تمام موجودات است بلکه برپا دارنده و تدبیرکننده آنهاست؛ به دیگر سخن، تمام اجزای عالم در لحظه لحظه وجود خویش وامدار و وابسته به خداوندند. تنها فاعل مستقل در هستی - که فاعلیت او وابسته به موجودی دیگر نیست - باری تعالی است و فعالیت سایر موجودات جلوه‌ای از فاعلیت اوست که بدون اذن و اراده‌اش محقق نمی‌شود.

در بُعد «سرگذشت گذشتگان» در قرآن نیز شبیه به همین آموزه‌ها را می‌یابیم، تاریخ گذشتگان عرصه تحقق سنت‌های حق تعالی و حضور دائمی و حکیمانه خداوند در نظام اجتماعی و فردی انسان‌هاست تا برای آیندگان درس عبرت باشد و در آینه تاریخ، تجسم اراده حق تعالی را بنگرند و تدبیر وی را در کیفرها و پاداش‌ها، ببینند. در سایر ابعاد نیز همانند این تحلیل امکان‌پذیر است. و حاصل آنها این است: تمام برنامه‌های بینشی و گرایشی در تعالیم وحی برای پندارزدایی، تعمیق معرفت‌ها و بالنده شدن این باورهاست تا انسان به توحید نظری - به ویژه توحید ربوبی - و عملی بار یابد و در پی آن به توحید عبادی گردن نهد و از این صراط مستقیم به قرب حق تعالی نایل آید.

از همین روست که انسان موحد ناب که ظرف وجودش رویش گاه کلمه طیبه است در قرآن به درختی تشبیه شده که سراسر وجودش از ریشه و ساقه و میوه‌ها، جلوه کلمه طیبه «لا اله الا الله» است. ریشه این درخت ثابت و پا برجاست، باورهای حق بر روی تنه آن جوانه می‌زند و فضایل اخلاقی و اعمال شایسته از آن جوانه‌ها منشعب می‌گردد و به صورت میوه هر دم از آن سر می‌زند. قرآن در این باره می‌فرماید:

آیا ندیده‌ای که خدا چگونه مثل زده است؟ سخن پاکیزه [= کلمه توحید و شهادت از روی حقیقت به یکتایی معبود] چون درخت پاکیزه [وصف کرده] است که ریشه آن [در زمین] استوار و شاخه آن در آسمان است؛ میوه خود را هر دم به فرمان پروردگارش می‌دهد و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند، شاید به یاد آرند و پند گیرند. (ابراهیم، ۲۵-۲۴)

قرآن کریم در این تمثیل، کلمه توحید را درخت طیب با تمام اجزای آن می‌شناسد، به جای آنکه کلمه طیبه را بر جزئی از درخت مانند ریشه یا ساقه و یا... حمل کند و این دلالت بر جایگاه اصلی توحید در تمام اجزای نظام دین دارد که در انسان موحد جلوه می‌کند.

بنابراین، معارف قرآن در عرصه جهان‌بینی و شناخت‌ها، عقاید و گرایش‌ها، تکالیف و منش‌ها، جملگی هر می شکل و در مدار «توحید» قابل تبیین‌اند به‌گونه‌ای که می‌توان نظام معارف وحی را به‌صورت هر می چند وجهی ترسیم کرد که در رأس آن «توحید» به‌ویژه توحید ربوبی قرار دارد و هر وجه آن یکی از ابعاد گرایش، بینش و منش را نشان می‌دهد و به نوبه خود راه توحیدشناسی و توحیدگرایی (و موانع و رفع آن) را به سمت رأس هرم نمایان می‌سازد.

اصناف مردم در آیات وحی نیز بنابه همین رسم قابل درک است. در محور صعود و سعادت بنابه درجه قرب و میزان توجه آنان نسبت به رأس هرم نامگذاری شده‌اند: مانند: مسلم، مؤمن، قانت، شهید، صالح و... در محور سقوط و شقاوت نیز براساس درجه بُعد و نوع رویکرد آنان نسبت به رأس هرم تعیین می‌گردند. مانند: فاجر، فاسق، کافر، منافق، مستکبر و...

علامه طباطبایی در دیباچه تفسیر سوره هود پس از آنکه محتوای این سوره را بیان‌کننده اغراض آیات گوناگون قرآن (از اصول معارف، اخلاق، احکام، هستی‌شناسی، آغاز و فرجام‌شناسی، پیوند آفرینش انسان با کردار و پیامدهای آن و...) می‌نامد، چنین می‌نویسد:

تمام آیات قرآن با همه گستردگی معارف و حقایقی که در آنهاست به یک حقیقت وابسته‌اند که بنیان همه آنهاست و درواقع تمام این معارف در حکم فروع آن به‌شمار می‌آیند؛ این حقیقت که اساس بنیادین دین می‌باشد عبارت است از: توحیدُ تعالیٰ توحیدُ الاسلام بأنَّ یعتقد أنَّه تعالیٰ هو ربُّ کلِّ شیءٍ لا ربَّ غیره و یسلم له من کلِّ وجهة فِیوَفِی له حقُّ ربوبیته ولا یخضع فی قلب ولا یخضع فی عمل إلا له جَلَّ أمره، این حقیقت، «توحید حق تعالی، توحید اسلام» و ریشه تمام معارف و شرایع قرآن با همه تفصیل و گستردگی آنهاست.<sup>۱</sup>

امام خمینی در نگاهی برتر، جایگاه توحید در قرآن را با اعجاز آن پیوند زده چنین می‌آورد:

قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند و این، اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است...<sup>۲</sup>

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۱۳۵. ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اسلام عقیده دارد که زندگی دنیا جز برای کسب معارف الهی که همه آنها به توحید باز می‌گردد، نفعی دیگر ندارد». (نک: همو، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۸۴)

۲. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۴۴.

غزالی از زاویه دیگر به حقیقت هرم توحید راه یافته و می‌گوید:

وبالجملة، فالعلوم کلّها داخله فی أفعال الله عزّ وجلّ وصفاته و فی القرآن شرح ذاته و أفعاله وصفاته و هذه العلوم لانهاية لها، و فی القرآن إشارة إلى مجامعها.<sup>۱</sup>

در گزارش‌های قرآن کریم از محتوای کتاب‌های آسمانی گذشته نیز «هرم توحید» را مشاهده می‌کنیم از جمله در آیات ۳۶ تا ۵۵ سوره نجم که به‌طور روشن آموزه فرازمنند توحید ربوبی یا همان حضور حکیمانه و دایمی حق تعالی را در تمام عرصه‌ها بدین شکل نشان می‌دهد: «أَمْ لَمْ يُبَيِّنْ بِنَا فِي صُحُفِ مُوسَى \* وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى... وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى \* وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى \* وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا \* وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى... وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى \* وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَى وَأَقْنَى \* وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى \* وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى».

فرازهای پایانی آیات فراوانی از قرآن - به‌طور مشخص مانند آیات سوره نساء - نیز با اسما و صفات الهی ختم می‌شود. هرکدام از این اسما ناظر به محتوای آیه‌اند و در حکم تعلیل برای مفاد آیه محسوب می‌شوند این حقیقت ما را به نظام تعالیم وحی رهنمون می‌کند و نقش «توحید» را در این نظام آشکار می‌سازد.

با نگاه هرمی شکل به تعالیم وحی، همه آنها را در اضلاع این هرم به سمت یک نقطه در رأس آنکه توحید نام دارد می‌نگریم؛ به‌گونه‌ای که حضور معنادار ربوبیت حق تعالی را در همه اضلاع با جلوه‌های اراده وی، نشان می‌دهد بدون آنکه تفاوتی در این حضور به چشم خورد؛ چون همه اوصاف حق تعالی همچون اراده، علم، ربوبیت، حکمت، حضور مطلقه... در همه عرصه‌های این اضلاع علی السویه است و شاید قرآن بخواهد با این نوع ساختار به انسان تفهیم کند که اگر برای وی که با جهل و عجز آمیخته است گذشته و حال، غیب و شهود، دور و نزدیک، سختی و آسانی، محسوس و معقول، حال و آینده... تفاوت می‌کند برای حق تعالی با اوصاف مطلقه‌اش که مالک مدبّر همه عرصه‌هاست از هر ضلعی که سخن گوید به همان اندازه هدایت و پیام در ربوبیت و الوهیت دارد که از ضلع دیگرش و کمال انسان در این است که این حقیقت را درباره حق تعالی درک کند. در این زمینه کافی است یکی از سوره‌های قرآن به‌ویژه سوره‌های «طوال» و «متین» را با همین نگاه، تلاوت کنیم تا این انسجام را به‌طور عینی ببایم.<sup>۲</sup>

۱. غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. نگاه هرمی شکل به تعالیم وحی نتایج درخشانی را در پی دارد از جمله:

شناخت ماهیت نهضت انبیاء: براساس «هرم توحید» می‌توان ماهیت نهضت انبیاء را شناخت. نهضت انبیاء

ماهیتی صرفاً توحیدی دارد. آنان انسان‌های معصوم (در تلقی و درک تعالیم وحی و اجرای آموزه‌های دین حق) و منصوب از ناحیه حق تعالی برای عینیت بخشیدن به اراده خداوند در زمین بوده‌اند. اهداف، خط مشی‌ها و شیوه‌های حرکت اصلاحی آنان نیز بر همین مبنا تبیین می‌گردد. برای نمونه، چون به اهداف بعثت انبیاء در خطبه اول نهج‌البلاغه بنگریم آن را با عبارتی ژرف و زیبا چنین می‌یابیم:

«فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولَهُ... لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرَهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْبَلِيغِ وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُرْوَهُمُ الْآيَاتِ الْمَقْدَّرَةَ...» پس خداوند در بین آنان [= مردمان] پیامبرانی فرستاد تا پیمان فطرتش را که در سرشت آنان بود، بگزارند و نعمت فراموش شده‌اش را به یادشان آرند و با تبلیغ [پیام‌های حق تعالی] بر آنان احتجاج کنند و خرده‌های دفن شده [در زیر غبار کفر و شرک] را برانگیزند و آیات قدرت حق تعالی را به ایشان بنمایانند.»

چنان‌که ملاحظه می‌کنید مدار اصلی و هسته مرکزی اهداف بعثت انبیاء «توحیدشناسی و توحیدگرایی» است. انبیاء، پیمان فطرت توحیدی انسان را می‌طلبند و نعمت فراموش شده پروردگارش را یادآور می‌شوند و با تبلیغ یگانه‌پرستی بر آنان احتجاج می‌کنند و خرده‌های دفن شده را برای رؤیت آیات آفاقی و انفسی حق تعالی، برمی‌انگیزند؛ بنابراین انبیاء که خود، نمونه روشن از حیات موحدانه‌اند، مبعوث شدند تا هر توحید را احیا کنند، خرافه‌ها و پندارها را بزدایند، شرک و غفلت از پروردگار را که ریشه همه شقاوت‌ها و سقوط‌های انسان است در همه ابعادش براندازند و آدمی را در مسیر توحید که منشأ همه سعادت‌ها و کمال‌های اوست به راه اندازند، پس اصلاح واقعی امور انسان‌ها جز در سایه قرب خدا معنا و مفهوم نمی‌یابد و الا انبیاء نسخه‌ای دیگر برای اصلاح و نجات انسان، ارائه می‌کردند.

از همین جاست که می‌گوییم: خدمتی که انبیاء و در پی آن معصومان از اوصیای آنان به بشریت کردند، هیچ کس نکرده و نمی‌کند بلکه از کسی این امر خطیر ساخته نیست جز آنکه در حد خود از مکتب انبیاء در این باره الهام گرفته باشد. از آنچه گفته شد به هدف نهایی و یگانه نهضت انبیاء - و در پی نهضت جهانی امام مهدی عج، که احیاگر منطق انبیاست - راه می‌یابیم و آن چیزی جز «احیای توحیدشناسی و توحیدگرایی» آدمیان نیست و سایر اهداف حکومتی و غیر حکومتی آنان را در سایه همین هدف می‌نگریم. امام خمینی ره در این زمینه چنین می‌گویند:

آرمان اصلی وحی این بوده است که برای بشر معرفت ایجاد کند؛ معرفت به حق تعالی، در رأس همه امور، این معناست... رسول اکرم و سایر انبیاء نیامدند که این‌جا حکومت تأسیس کنند، مقصد اعلا این نیست، نیامدند که این‌جا عدالت ایجاد کنند؛ آن هم مقصد اعلا نیست، این‌ها همه مقدمه است تمام زحمت‌هایی [که اینها کشیدند از حضرت نوح گرفته از حضرت ابراهیم گرفته تا... به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است تمام مشقت‌هایی که کشیدند و کارهایی که کردند مقدمه یک مطلب است و او معرفی ذات حق است.

جمع مقاصد کتاب الهی برگشت به مقصد واحد می‌کند و آن حقیقت توحید است که غایت همه نبوتات و نهایت مقاصد همه انبیای عظام علیهم السلام است. (ر.ک: دیاری، اندیشه و آرای تفسیری امام خمینی، ص ۱۴)

بنابراین، می‌توانیم بگوییم: اهداف رسالت انبیاء، پلکانی و در طول یکدیگرند و هر کدام برای رسیدن به دیگری پی‌ریزی می‌شوند؛ اما آغاز و انجام این اهداف، توحیدگرایی و پیرایش شرک‌ورزی است، همان‌که شعار همه انبیاء در همه مراحل دعوتشان بوده و لحظه‌ای از آن غافل نبوده‌اند. قرآن در آیات متعدد با تعبیر واحد چنین خبر داده که انبیاء از جمله حضرت نوح، شعیب، صالح، هود با یک منطق به تمام انسان‌ها گفته‌اند: «... یا قوم اَعْبُدُوا اللَّهَ...»؛ (نک: مؤمنون، ۲۳؛ اعراف، ۶۵، ۷۳ و ۸۵؛ هود، ۵۰، ۶۱ و ۸۴) «ای قوم من! تنها بندگی



### نگاهی به ابعاد و مراتب توحید

با الهام از ادله عقلی و نقلی می‌توان آموزه توحید را به دو شاخه نظری و عملی تقسیم کرد؛ توحید نظری در مقام اندیشه و باور، و توحید عملی یا عبادی در مقام منش و رفتار است؛ از یک نگاه می‌توان توحید نظری را به توحید ذاتی، صفاتی، افعالی، خالقی، ربوبی و الوهی تقسیم کرد؛ «توحید ذاتی» به این معناست: یکتا دانستن ذات حق تعالی به اینکه از هر نظر بی‌مانند است و هیچ‌کس در هیچ چیز شبیه او نیست و نیز ذاتش یگانه و بسیط است و به جزء خارجی و عقلی و وهمی تقسیم‌پذیر نیست؛<sup>۱</sup> «توحید صفاتی»، یگانه دانستن صفات با ذات اوست؛ این معنا از توحید ذاتی و صفاتی افزون بر دلیل عقلی<sup>۲</sup> و روایات اهل بیت<sup>۳</sup> از معارف سوره توحید

---

خدا کنید». هر کدام از انبیاء با درک معصومانه خود از خواسته‌های خداوند کوشیده‌اند تا هدف از آفرینش انسان و جن را که عبودیت حق تعالی است به‌طور واقع‌بینانه و به دور از خطا تحقق بخشند. قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (ذاریات، ۵۶) «من جنیان و آدمیان را جز برای اینکه مرا پرستند، نیافریدم». چه اینکه هدف اصلی فرود کتب آسمانی از جمله قرآن نیز، همین آموزه است. قرآن می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيُلْعَلُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرُوا أَلْوَابِ»؛ (ابراهیم، ۵۲) «این ابلاغی است برای مردم تا [حقایق روشن شود و مردم] به وسیله آن بیم داده شوند و بدانند که او [خدا]، معبودی یگانه است و صاحبان خرد متذکر گردند». باور به یگانگی معبود و انجام عبادت حق تعالی مبتنی بر باور به توحید نظری و به‌طور خاص توحید ربوبی است.

درک نظام‌مند از اهداف قرآن: در قرآن به حدود سی هدف برمی‌خوریم که به‌طور کلی به اهداف ابتدایی، متوسط و عالی تقسیم می‌شوند؛ هر کدام از اهداف ابتدایی وسیله‌ای برای رسیدن به هدف متوسط و اهداف متوسط وسیله‌ای برای رسیدن به هدف عالی است. برای نمونه، قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (یوسف، ۲) «ما آن را، قرآن عربی نازل کردیم، باشد تا در آن بیندیشید» این آیه درصدد بیان هدفی ابتدایی است که همان تدبر و تعقل در آیات است. این هدف برای روشن شدن حقایق قرآن و درک درست آیات که هدفی متوسط است، منجر می‌شود و آن نیز وسیله‌ای برای دستیابی به هدف نهایی قرآن است که «توحید» می‌باشد. یعنی: تا بدان‌جا که آدمی از این آیات و نشانه‌ها به مقام معرفت توحید بار یابد و صاحب آیه را با حقیقت ایمان شهود کند. قرآن با ارائه شیوه‌های گوناگون برهان، تمثیل، جدال احسن، موعظه، و نیز تحلیل پدیده‌ها، نقد شرک و چند خدایی، نقل سرگذشت و... می‌کوشد آدمی را به این هدف نهایی، یعنی: به اوج توحیدگرایی در تمام ابعاد نظری و عملی آن، سوق دهد؛ چراکه قرآن حکمت آفرینش انسان را چیزی جز نایل شدن او به معرفت مقام توحیدی حق تعالی و نیز عبادت او نمی‌داند. معرفت و عبادتی که اساس همه سعادت‌ها و کمالات آدمی است.

۱. ر.ک: صدوق، کتاب التوحید، باب معنی الواحد، ص ۸۳.

۲. ر.ک: مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۹۰-۸۷.

۳. برای نمونه، ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱. برای شرح بیشتر درباره رابطه ذات و صفات الهی، ر.ک: احمدوند، رابطه ذات و صفات الهی.

قابل تحصیل است که خواهید دید. توحید افعالی، یگانه دانستن خداوند در افعال اوست به این معنا که خداوند در افعال خود نیاز به هیچ چیز ندارد و تمام مخلوقات در افعال خود به او نیازمندند و یا یکتا دانستن مؤثر و منشأ همه افعال در آفرینش است که از آن با تعبیر عقلی «لا مؤثر فی الوجود إلاّ الله» یاد می‌شود<sup>۱</sup> این معنا از برخی از آیات مانند آیه معروف «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» (انفال، ۱۷)<sup>۲</sup> و تعبیر بلند اهل بیت (علیهم‌السلام) استفاده می‌شود. مانند این تعبیر فرازند از امام سجاد (علیه‌السلام) که می‌فرماید: «وَتَسَبَّتْ بِطُغْفِكَ الْأَسْبَابُ؛<sup>۳</sup> سببیت هر سببی در عالم به لطف توست [و هرگاه بخواهی آن را می‌ستانی]». «توحید خالق»<sup>۴</sup>، یکتا شمردن آفریننده هستی و باور به آن است؛ این آموزه عقلی<sup>۴</sup> نیز در چندین آیه قرآن به چشم می‌خورد، از جمله این آیات که می‌فرماید: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر، ۶۲)؛ «قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد، ۱۶) «توحید ربوبی» نیز یکتا و یگانه دانستن مالک مدبر (صاحب اختیار) آفرینش و باور به آن در همه عرصه‌های تکوینی و تشریحی است (و به نوعی با توحید افعالی پیوند دارد). توحید ربوبی نیز افزون بر دلیل عقلی<sup>۵</sup> از آیات قرآن قابل تحصیل است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أُنْبَغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...» (انعام، ۱۶۴) «توحید الوهی» به یک معنا یکتا و یگانه دانستن إله آفرینش و باور به آن است؛ همان‌الیه یکتا که فطرت‌های بیدار او را می‌شناسند و همانند جمله آفرینش تنها به او پناه می‌برند، التّجاء می‌کنند، و به او گرایش و اشتیاق دارند، همو که همه خلق درباره او سرگشته و حیرانند و عقل‌های سالم چنین حکم می‌کنند که تنها باید او را به‌عنوان معبود برگزید و تنها باید تسلیم او بود؛<sup>۶</sup> خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (طه، ۱۴)

- 
۱. برای شرح بیش‌تر، ر.ک: مطهری، عدل‌الهی، ص ۱۱۸-۳۵؛ همو، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۹۱-۹۰؛ جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۲، ص ۲۳۳-۲۲۷؛ سیدان، توحید و جبر و اختیار در قرآن، ص ۱۲۹.
  ۲. برخی از مفسران این آیه را در غرر آیات توحیدی قرآن و برجسته‌ترین و درخشانده‌ترین آیات توحید افعالی دانسته‌اند. (ر.ک، جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۲، ص ۲۰۹)
  ۳. صحیفه سجاده، دعای هفتم.
  ۴. چون به حکم عقل هیچ چیز بدون آفریننده پدید نمی‌آید و خودش نیز آفریننده خویش نیست پس هر چیزی خالق دارد، این خالق یگانه است چون در نظام هستی، آثار خالق دیگری به چشم نمی‌خورد.
  ۵. عقل می‌گوید: هر خالق، رب، یعنی مالک مدبر مخلوق خود است، و چون خالق آفرینش یکتاست پس مالک مدبر یا همان رب آفرینش یکتاست.
  ۶. حکم عقل این است: چون رب، یکتا و یگانه است، پس إله، یکتا و یگانه است و شریکی برای او نیست؛ پس تنها ربی که باید به او گرایش یابید و التّجاء برید و در پیشگاهش کرنش کنید، خداست.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَالِهٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَلَهُ اَسْلَمْتُمْ وَاَبَشَّرْتُمُ الْمُخْتَبِرِينَ» (حج، ۳۴) و باز «توحید الوهی» به معنای توحید معبودی است یعنی یکتا دانستن معبود، همو که باید باور داشت حس انقیاد و ابراز تذلل تنها شایسته پیشگاه او به عنوان ربّ یکتا و اله یگانه به معنای اول است.<sup>۱</sup> از آنچه گفته آمد آشکار شد اولاً: بر این اساس، توحید معبودی بر توحید الوهی و آن بر توحید ربوبی و توحید ربوبی بر توحید خالقی مبتنی است. این سلسله نزد خردمندان منطقی و قابل درک است. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ \* ذٰلِكُمْ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاَعْبُدُوْهُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ وَكِيْلٌ» (انعام، ۱۰۲-۱۰۱). ثانیاً: توحید ربوبی غیر از توحید خالقی است. توحید الوهی نیز دو کاربرد دارد. چون اگر ربّ همان خالق باشد این ابتننا در این آیات و همین طور آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...» خطا خواهد بود؛ چون نتیجه آن در این آیه چنین می‌شود «أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي رَبَّكُمْ و...» و همین طور اگر توحید الوهی به یک معنا و یک کاربرد داشته باشد در تعریف آن دور لازم می‌آید. تفصیل این نکته را در فصل توحید الوهی خواهید دید.

توحید عملی یا عبادی پس از مقام نظر و باور به یکتایی حق تعالی در شئون یاد شده است، به این معنا که باید مقصودمان را یگانه کنیم و آن را در مقام عمل با نیت‌های خالص، نشان دهیم تا رفتارها، تنها برای خدا صورت پذیرد و از هر نوع شائبه ریا و سُمعه و مَنّت و... پاک شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰).<sup>۲</sup> به این نوع رفتار، شرک خفی می‌گویند که با ایمان (ضعیف یا متوسط) به توحید قابل جمع است در برابر شرک جلی که نقطه مقابل ایمان، در قلمرو اندیشه و باور است و در ابعاد گوناگون شرک خالق، ربوبی، افعالی، الوهی پدید می‌آید.

تقسیم دیگر از مقوله توحید، از نظر حد نصاب و حد کمال است،<sup>۳</sup> نصاب توحید برای کامیابی و سعادت، معرفت و باور حداقلی نسبت به شئون یاد شده از توحید است و توحید در

۱. درباره معنانشناسی توحید الوهی در بخش چهارم کتاب به تفصیل بحث و رابطه اله به معنای التجاء و اشتیاق و... را با اله به معنای معبود مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲. در حدیث امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه چنین می‌خوانیم: «الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسْمَعَ بِهِ النَّاسُ فَهَذَا الَّذِي أُشْرِكُ بِهِ». (ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۹۳)

۳. این دسته‌بندی از آیت‌الله مصباح در کتاب معارف قرآن (ج ۱، ص ۵۰) است.

حد کمال یکتا دانستن خداوند در استعانت، نصرت، توکل، خوف، رجا، محبت و... است موحدی که به حدی از معرفت و باور به توحید ربوبی و الوهی رسد و خدا را با اوصاف کمالی اش بشناسد، جز از خدا مدد نمی جوید، نصرت نمی طلبد، به غیر او توکل نمی کند، از کسی جز او نمی ترسد و به کسی غیر از او امید نمی بندد و دل تنها در محبت او می نهد و... وی برای دیگران تنها - در حد خودشان - سمت مَجْرَا و مَظْهَر در برخی از این امور می بیند چون به این حقایقی که قرآن فرموده نایل شده است: «... وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد، ۵)؛ یا از زبان حضرت یعقوب که می فرماید: «وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (یوسف، ۱۸)؛ و یا از زبان حضرت یوسف که می فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف، ۶۷)؛ و نیز این آیات که می فرماید: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران، ۱۲۶) و نیز انفال، ۱۰)؛ «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ...» (توبه، ۱۲۹)؛ «إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ» (نحل، ۵۱).

به نظر ما - و در نخستین نگاه - می توان ابعاد اصلی توحید در قرآن را به توحید ذاتی، صفاتی، خالقی، ربوبی، الوهی و عبادی تقسیم کرد<sup>۱</sup> و سایر ابعاد [یا شئون] توحید مانند توحید در ملکیت و مُلکیت، توحید افعالی، توحید در ولایت، استعانت، توکل، خوف و رجا، و... را زیرمجموعه ابعاد فوق دانست؛ برای نمونه، توحید در مُلک و ملک زیرمجموعه توحید خالقی است و توحید در ولایت که به معنای معرفت و باور به یکتایی حق تعالی در مالک تدبیر است شأنی از شئون توحید ربوبی و توحید افعالی با هردو معنایی که از آن یاد شد لازمه توحید ربوبی است، چون اگر براساس توحید ربوبی تنها خدا، مالک مدبر آفرینش است پس، هیچ عامل دیگری در تدبیر آفرینش نقش استقلاللی ندارد و تنها مؤثر و منشأ همه افعال، خداست و تکویناً چنین تدبیر کرده که همه هستی در افعال خود به او نیازمند باشند. توحید در استعانت، توکل، خوف و رجا نیز بر اثر عمق معرفت و باور به توحید ربوبی، الوهی و عبادی پدید می آیند. ناگفته نماند متکلمان امامیه در آموزه توحید، مقوله عدل را نیز گشوده و چنین آورده اند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ عَدْلٌ حَكِيمٌ، بِمَعْنَىٰ أَنَّهُ لَا يَفْعَلُ قَبِيحًا وَلَا يَخْلُقُ بِالْوَجِبِ، بَدَلِيلٌ أَنَّ فِعْلَ الْقَبِيحِ قَبِيحٌ، وَ الْإِخْلَالُ بِالْوَجِبِ نَقْصٌ عَلَيْهِ، فَاللَّهُ تَعَالَىٰ، مَنْزَهُ عَنِ كُلِّ قَبِيحٍ وَ إِخْلَالٍ بِالْوَجِبِ... فَلَا يَدَّبُّ أَنْ يَكُونَ فِعْلُهُ مُطَابِقًا لِلْحِكْمَةِ وَ عَلَىٰ حَسَبِ النِّظَامِ الْأَكْمَلِ، وَ أَنَّهُ تَعَالَىٰ يَفْعَلُ

۱. برای شرح بیشتر درباره مراتب و ابعاد توحید، ر.ک: فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، ص ۲۹۵-۵۶.

الغرض، لأنَّ كلَّ فعل لا يفعل الغرض فإنَّه عبث و العبث قبيح واللَّهُ تعالى يستحيل منه القبيح»<sup>۱</sup> دامنه بحث در این موضوع ژرف، به نظریه حسن و قبح عقلی می‌رسد<sup>۲</sup> و مباحث قابل توجهی را رقم می‌زند. متکلمان شیعی در همین زمینه نیز با الهام از کلام اهل بیت نظریه «لا جبر ولا تفویض امر بین الامرین» یا همان «اختیار» را مطرح و به مناقشه‌ها و ردّ و ایرادها می‌پردازند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

در مکتب شیعی هرگز «اختیار» به صورت «تفویض» [معتزلی] و واگذاری که نوعی سلب اختیار از ذات حق و نوعی استقلال در فاعلیت و نوعی خداگونه‌ای برای انسان است که طبعاً ملازم با شرک است، تفسیر نشد... در این مکتب، اصالت عدل و حرمت عقل و شخصیت آزاد و مختار انسان و نظام حکیمانه جهان اثبات شد بدون آنکه خدشه‌ای بر توحید ذاتی یا افعالی وارد شود...<sup>۳</sup>

البته چه بسا بتوان صفت عدل و حکمت را در پرتو پیوند توحید ربوبی و اوصاف کمالی حق تعالی شناخت که در گفتار پنجم از بخش سوم کتاب ملاحظه خواهید کرد.

بر اساس مطالب یاد شده درباره ابعاد و مراتب توحید، ساختار این کتاب مبتنی بر ابعاد اصلی توحید شکل گرفته است. به جز توحید خالق - با آنکه مبنای توحید ربوبی و در پی آن الوهی و عبادی است - که چون بدیهی یا نزدیک به بدیهی است و مشرکان نیز به آن اذعان داشتند به صورت مستقل بحث نشده است؛ توحید و شرک ذاتی و صفاتی نیز با توجه به هدف اصلی این پژوهش تا حدودی موجز بررسی شده‌اند. نکته آخر درباره توحید اَسْمَاء و صفات است که سلفیان، آن را باور دارند و بدین گونه معنا می‌کنند: «وهو الايمان الجازم بأسماء الله وصفاته الواردة في الكتاب والسنة واثباتها دون تحريف او تعطيل او تكييف او تمثيل»<sup>۴</sup> و آن را

۱. برای نمونه، ر.ک: خواجه طوسی، تجرید الاعتقاد، ص ۱۹۸؛ حلی، کشف المراد، ص ۳۰۵؛ همو، الباب الحادی عشر، ص ۶؛ ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۱۱؛ ابواسحاق نوبخت، الیاقوت، ص ۴۵؛ خواجه شیرازی، النظامیه، ص ۱۱۷؛ مقدس اردبیلی، الحاشیه علی الهیات شرح الجدید للتجرید، ص ۱۲۵ و... .

۲. محمد عبده به درستی در این باره می‌نویسد: «فمن زعم ان لا حُسن و لا قبح فی الاعمال علی الاطلاق فقد سلب نفسه العقل...» (محمد عبده، رساله التوحید، ص ۱۳۰) وی درباره نخستین اختلاف متکلمان می‌گوید: «و كانت اول مسألة ظَهَرَ الخلاف فيها مسألة الاختيار و استقلال الانسان بارادته و افعاله الاختياريه و مسألة من ارتكب الكبيرة و لم يتب، اختلف فيها واصل بن عطاء و أستاذة الحسن البصری». (ر.ک: همان، ص ۷۰)

۳. مطهری، عدل الهی، ص ۲۰.

۴. ر.ک: ابن تیمیه، الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۸۳-۲۸۴؛ ابن قیم، الروح، ص ۷۷۶-۷۷۵.

قول سلف از صحابه و تابعین می‌دانند این نظریه - افزون بر آنکه باید بررسی شود آیا اساساً چنین بعدی از توحید در بین سلف رایج و یا حتی مطرح بوده یا نه - به صورت بسیار فشرده در بخش توحید ذاتی و صفاتی ارزیابی شده است. چون زیر مجموعه این بعد از توحید قرار دارد و لزوماً به معنای معرفت به اسماء و صفات خدا - که در آن از تشابه‌ها و تمایزهای اسما و صفات الهی و کارکردهای آن در نظام هستی و انسانی بحث می‌شود - نیست.

### گفتار دوم: ضرورت پژوهش

برای درک ضرورت پژوهش در مقوله توحید کافی است از یک سو، به جایگاه توحید در نظام تعالیم وحی که اشاره شد توجه کنیم و از سوی دیگر اساسی‌ترین وظیفه خود را یاد آوریم که همان پاسداری فطرت توحیدی و نیز ارج نهادن به حکم عقل است که تنها خداوند یگانه را ربّ، إله و معبود ما می‌شناسد و در پی آن و همسو با رسالت انبیاء ما را به عبادت او فرامی‌خواند تا آنچه را که خداوند در این آیه «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء، ۲۳) مقرر کرده تحقق بخشیم و نیز به هدف آفرینش خود که بندگی اوست نایل شویم: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶).

خداوند، پدر ما آدم را به عنوان نخستین انسان از نسل موجود، حجت خود قرار داد و او را برگزید تا از وی الگو بگیریم و بر همین آیین فطری و عقلی زندگی کنیم، قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳۳) با این وصف، بیشترین افراد و جوامع - از نسل وی - به شرک گراییدند و بت‌ها و دیگران را بالاصالة یا به عنوان نماد - از اشیاء و اشخاص - إله خود دانستند. اینان با انحراف از حکم قطعی عقل و وحی و فطرت به زشت‌ترین ردیلت، آلوده شدند. این ردیلت ظلم به خدا و بسی شکننده است، بلکه هیچ ضایعه‌ای برای بشر خسارت‌بارتر از آن نیست. خداوند، بر بشر منت نهاد و انبیای خود را پی‌درپی فرستاد<sup>۱</sup> تا انسان‌ها را به مسیر توحید بازگردانند و آنها را از این ردیلت بی‌مانند، تطهیر کنند. چون در آیات قرآن بنگریم بارها این آموزه را از زبان انبیای الهی می‌بینیم که به قوم خود می‌گوید: «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»<sup>۲</sup> این منطق انبیاست و در پی آن منطق همه فرزندانگن و

۱. قرآن در سوره مؤمنون آیه ۴۴ می‌فرماید: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ...».

۲. برای نمونه، نک: سوره اعراف آیات ۵۹، ۶۵، ۷۰ و ۸۵؛ هود آیات ۵۰، ۶۱ و ۸۴؛ مؤمنون آیات ۲۳ و ۳۲.